روزنه

اینها که «شغل» حساب نمی‌شود!

حسین قدیانی

● بله! تا از حضرات معزز چندشغله درباره تعداد مشاغلشان می‌پرسی، همین تیتر متن را به خوردت می‌دهند و البته به‌لحاظ قانونی یا حقوقی، درست هم می‌گویند! اما وقتی به یاد بیاوریم که بخش قابل‌توجهی از این جماعت، پرچمدار مبارزه با بی‌کاری یا اقلا متذکر همیشگی وجود لشکر بی‌کاران در کشور هستند، مسئله خیلی فرق می‌کند! کافی است خودمان را جای جوان دانشگاهی بی‌کاری بگذاریم که مرتب خبر وجود چندشغله‌ها را از رسانه‌ها می‌شنود! قطعا برای روح و روان زخم‌خورده این جوان، اهمیتی ندارد که مدیر چندشغله، دولتی است یا حکومتی! از یک‌سو بی‌کاری خود را می‌بیند و از دیگرسو، تعدد شغل حضرات را! و لابد تأیید می‌فرمایید که توضیح یا توجیه «اینها که «شغل» حساب نمی‌شود» برای این جوان، حرف حساب محسوب نمی‌شود! حق هم دارد، چراکه ما یک «عرف» هم داریم! عرف می‌گوید؛ تو وقتی مرتب از طرف بی‌کاران، چماق بر فرق دولت بلند می‌کنی یا وقتی دایه مهربان‌تر از مادر برای بی‌کاران می‌شوی، دیگر خیلی زیبنده نیست که ۳۷ یا ۲۵ یا حتی فقط پنج شغل داشته باشی! مشاغلی که اگرچه به تعبیر قانونی یا حقوقی، شغل حساب نمی‌شوند، اما وقت و تمرکز و بازدهی مدیران چندشغله را به بدترین شکل ممکن می‌گیرند! ۲۴ ساعت یک شبانه‌روز، برای همه ۲۴ ساعت است و اگر مدیری ۲۴ شغل یا حالا بگو سمت و پست و عنوان و مشغله داشته باشد، قدرمسلم خروجی آن می‌شود همین اوضاع نابسامان فرهنگ و اقتصاد و سیاست! که حکم کنند؛ «زین‌پس به‌جای واژه فلان، از واژه بهمان استفاده کنید» و حکمشان همانا و خنده و مضحکه ملت همانا! اما چرا؟! چون طرف در ۲۳ جای دیگر هم اگر نه شغل، که مشغله دارد! القصه! چند شب پیش در مسجد محل با تعدادی از دوستان، مشغول همین حرف‌ها بودیم! یکی از رفقا که برخلاف حقیر، عضو رسمی بسیج و البته یکی از بی‌کاران کشور بود، کنایه ملیحی زد؛ «مگر حضرات، مدعی نیستند اغلب این مشاغلی که دارند، شغل حساب نمی‌شود؟! خب! بدهندش به ما!» و «این بدهندش به ما» فقط سخن آن رفیق بسیجی بی‌کار نیست!

ادامه در صفحه ۱۵

اصلاح‌طلبان با رخدادهای اعتراضی اخیر چگونه برخورد کنند

لزوم خانه‌تکانی در جریان اصلاحات

موج اعتراضی اخیر در تهران و سایر شهرهای کشور، اگر یک روی خود را در خیابان به نمایش گذاشت، روی دیگرش در نقد و انتقادها در فضای مجازی بروز پیدا کرد.

دراین‌میان اما جریان اصلاح‌طلب با فاصله‌گرفتن ازسردرگمی روزهای نخست اعتراض‌ها، توانست ظرفیت خود را برای تحلیل از آنچه رخ داده، به کار بگیرد. این درحالی بود که گاهی به‌سبب تحلیل‌هایی که از سوی فعالان این جریان صورت می‌گرفت یا نوع تحرکات نمایندگان وابسته به این جریان در مجلس، انتقادهایی این جریان و فعالان آن را نشانه می‌گرفت. بدنه معترض خواستار همراهی جریان اصلاح‌طلب به عنوان جریانی بود که مدعی است بدنه اجتماعی جامعه را از آنِ خود دارد. اما صدور برخی بیانیه‌ها نظیر بیانیه مجمع روحانیون مبارز با دبیرکلی رئیس دولت اصلاحات، نوک انتقادات را متوجه رهبر این جریان کرد.

بااین‌حال رئیس دولت اصلاحات، این‌بار در جریان یکی از دیدارهایی که داشته بر موضوعاتی دست گذاشته که در شعارهای معترضان هم جلوه‌گر شده بود؛ توجه به این نکته که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نتوانسته‌اند توقعات مردم را برآورده کنند یا این نکته که حمایت از دولت نباید باعث فراموشی مطالبات مردم بشود.

این تلنگرها، تلنگر به جریانی است که همواره سعی کرده با عینک انتقادی منجر به اصلاح، به سوژه‌ها نگاه کند و حالا این سؤال مطرح می‌شود که با بروز آنچه ظاهر خود را در خیابان‌ها به نمایش گذاشت، وقت واکاوی‌کردن این جریان، آسیب‌شناسی در آن و در یک کلمه تجدیدنظرطلبی در جریان اصلاحات فرا نرسیده است؟ فعالان سیاسی در گفت‌وگو با «شرق» به‌نوعی در پاسخ به این سؤال، فرضیه مطرح‌شده را تأیید کردند. از لزوم آنچه عبدی به آن خانه‌تکانی می‌گوید تا تغییرفازدادن از امر سیاسی به امر اجتماعی که ظریفیان به آن اشاره کرده و لزوم خانه‌تکانی جریان اصلاحات؛ در همین راستا عباس عبدی، روزنامه‌نگار، دراین‌باره می‌گوید: «جریان اصلاح‌طلب باید دست به خانه‌تکانی جدی بزند. این جریان از سال ۸۸ و حتی قبل از آن، باید اقدام می‌کرد.

بنده نیز معتقد بودم و بارها در فضای عمومی و جلسات نیز خدمت دوستان عرض کرده‌ام که با این ادبیات و نگاه نمی‌شود کاری از پیش برد».

او اضافه می‌کند: «بنابراین معتقدم درعین‌حال که جریان اصلاح‌طلب می‌تواند نزدیک‌تر به ساختار رسمی عمل کند و به اصلاح آن کمک کند، درعین‌حال می‌تواند مواضع روشن‌تر و مشخص‌تری نسبت به ناهنجاری‌ها و نابخردی‌های وضع موجود داشته باشد».

عبدی می‌گوید: «خوشبختانه نقطه تمایز صحبت آقای خاتمی مباحثی است که درباره رادیو و تلویزیون مطرح کرده است. به نظر من عملکرد دستگاه قضائی و شورای نگهبان هم باید مورد توجه قرار بگیرند؛ باید مشخص شود که رفتارهای آنها چه تأثیری در فضای امروز جامعه داشته و دارد». او در نهایت می‌گوید: «برداشت من این است که ایشان هم به این موضع اذعان دارد. معتقدم اصلاح‌طلبان باید مواضع صریح خود را روشن‌تر منتشر کنند و مرزهای خود را با نیروهای خارج از اصلاحات و هم با وضعیت و ایرادات کنونی این سیستم که کم هم نیست، تبیین و روشن کنند. من فکر می‌کنم که از چنین بیانیه‌ای استقبال خواهد شد».

چرخش به امر اجتماعی و مسئله مردم

غلامرضا ظریفیان، از اعضای شورای مرکزی مجمع ایثارگران، نیز در گفت‌وگوی خود با «شرق» درباره لزوم شیفت یا چرخش اصلاحات از امر سیاسی به امر اجتماعی می‌گوید: «همه کسانی که دغدغه ایران، جامعه ایران و حتی سرنوشت نظام را دارند تمام تلاش‌شان این است که کمک کنند تا جامعه با توجه به ظرفیت‌های داخلی به گونه‌ای بتواند بازتعریف شود که حل مشکلات اساسی با توجه به توان نیروی انسانی، سیاسی و اجتماعی اتفاق بیفتد و نگاه‌ها به بیرون از کشور معطوف نشود». او ادامه می‌دهد: «در همین راستا، از مدتی قبل هم آقای خاتمی و هم جریان اصلاح‌طلب به موضوع آسیب‌شناسی این جریان توجه کرده‌اند.

اگر تبار جریان اصلاح‌طلبی را از ۱۲۰ سال قبل و جریان مشروطه در نظر بگیریم یا حتی آن را مصادف با خرداد ۷۶ فرض کنیم، که این دو البته از هم جدا نیستند، اصلاح‌طلبان، جریان روشنفکری دینی و روشنفکران عمدتا معطوف به سیاست بوده‌اند و سیاست را نقطه کانونی اندیشه خود قرار داده‌اند.

اگرچه این، مسئله مهمی بوده است. اما به‌دلیل تکثری که در جامعه ایران وجود دارد از نظر بینش و علایق و ذائقه‌ها، به نظر می‌رسد که یکی از آسیب‌های جریان اصلاح‌طلب، صرفا محدودشدن به سیاست باشد. اصلاح‌طلبان زمانی می‌توانند چتر خود را بر تمام آحاد جامعه گسترده کنند که از اصلاحات معطوف به سیاست به اصلاحات معطوف به جامعه شیفت کنند. مسائل موجود در جامعه به قدری گسترده است که عرصه سیاسی را هم شامل بشود».

این استاد دانشگاه اضافه می‌کند: «براین‌اساس، اصلاح‌طلبان باید از امر سیاسی به امر اجتماعی چرخش کنند؛ یعنی در زیست جهان جامعه ما، هم بخشی از جوانان هستند و هم با تنوع قومیتی، مذهبی و جنسیتی مواجه هستیم که نیازهای این جامعه صرفا معطوف به امر سیاسی و سیاست نیست. از مسئله اشتغال گرفته تا ازدواج، اوقات فراغت، دنیای مجازی، دسترسی آزاد به گردش اطلاعات، رفاه اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، کرامت و منزلت اجتماعی و... بنابراین جریان اصلاح‌طلبی هم به لحاظ نظری و تئوری و ادبیات باید به امر اجتماعی توجه کند و دامنه خود را از عرصه سیاست فراتر تعریف کرده و به مردم و مسئله مردم توجه کند. مردم مسائل مختلفی دارند که سیاست یکی از آن مسائل است».

نکته

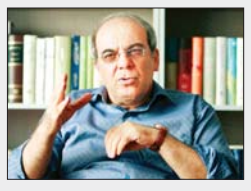

عبدی: جریان اصلاح‌طلب باید دست به خانه‌تکانی جدی بزند. این جریان از سال ۸۸ و قبل از آن، باید اقدام می‌کرد. بنده نیز بارها خدمت دوستان عرض کرده‌ام که با این ادبیات و نگاه نمی‌شود کاری از پیش برد

اصلاح‌طلبان فاصله انتقادی خود با دولت را حفظ کنند

به گفته ظریفیان «جریان اصلاحات به‌عنوان یکی از کانون‌های امید مردم، باید بتواند این امید را حفظ کند. باید وارد عرصه‌هایی شود که از آن غفلت شده است». او می‌گوید: «مردم نباید احساس کنند که جریان اصلاح‌طلبی به‌دنبال دعوای اصلاح‌طلب و اصولگراست و تا زمانی که بیرون از قدرت است، در اپوزیسیون قرار دارد و وقتی وارد قدرت می‌شود، نگاهش تغییر می‌کند. باید بستر توجه به مطالبات مردم در بستر غیررادیکال، دموکراتیک و حقوقی ایجاد شود.

اصلاح‌طلبان باید فاصله انتقادی خود از دولت را حفظ کنند و این‌گونه تلقی نشود که اصلاحات با به‌دست‌آوردن فرصت‌های مدیریتی، جامعه را فراموش کرده‌اند.

بر این اساس مطمئن هستم اگر مردم احساس کنند مسئله آنها، مسئله اصلاحات است، به بهبود و تغییر شرایط امیدوار می‌شوند».

توجه به موضوع کارآمدی

علی تاجرنیا از اعضای حزب اتحاد ملت هم در گفت‌وگوی خود با «شرق» از لزوم توجه به کارآمدی سخن گفته اما همچنان جریان اصلاحات را جریانی می‌داند که با مردم همسویی دارد. او می‌گوید: «راهبرد اصلاح‌طلبان در دو دهه گذشته، همسویی با مردم بوده است، چه در مقطعی که نگاهش به طبقه فرودست بوده و شعار عدالت اجتماعی داده و چه مقطعی که برای طبقه متوسط از آزادی سیاسی سخن گفته است. مهم این است که مردم به‌نوعی احساس کرده‌اند جریان‌های موجود سیاسی کارآمدی ندارند و فقط حرف می‌زنند».

او ادامه می‌دهد: «آنچه بین مردم و اصلاح‌طلبان فاصله می‌اندازد، همین بحث است و البته آنچه اصولگرایان را از آنها دور می‌کند، احساس عدم صداقت در آن جریان است. بنابراین اصلاح‌طلبان باید در حوزه کارآمد، طرحی نو دراندازند».

به گفته تاجرنیا، «ما اگر از اصلاحات دم می‌زنیم که کار درستی است، نباید تنها به هم‌نوایی با مردم بسنده کنیم. یعنی باید در حوزه عمل و تحقق خواست مردم گام برداریم و این مردم مشکلشان بحران کارآمدی است». او می‌گوید: «اگر فقط بخواهیم شعار بدهیم و این‌گونه با مردم هم‌نوایی کنیم، نتیجه آن برخورد با اعتراضاتی می‌شود که این برخورد راه‌حل مشکلات نیست».

به نظر می‌رسد توجه به خواست و مسئله مردم و تغییر گفتمان اصلاح‌طلبی به این سمت، همان موضوعی است که جریان اصلاحات باید آن را سرلوحه خود قرار دهد. طی طریق در همین مسیر بدون توجه به آنچه در متن و حاشیه جامعه می‌گذرد، پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان را با ریزش مواجه خواهد کرد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تفاوت کرایه اسنپ!** یکی از دوستان از بزرگراه شهیدحقانی، ابتدای خیابان نفت‌جنوبی می‌خواست با اسنپ به سعادت‌آباد برود، وقتی استعلام گرفت ۱۳ هزار تومان شد، اما برای اینکه زودتر به مقصد برسد، از بلوار میرداماد، مقابل خیابان نفت‌شمالی استعلام گرفت، ۱۷ هزار تومان شد. با اینکه استعلام دوم مسیر کوتاه‌تری داشت، چرا این همه تفاوت قیمت داشت؟

علی از تهران

● **قدردانی از یک نجات‌غریق:** شاهین عطایی یکی از نجات‌غریق‌های مجموعه ورزشی خادم واقع در بلوار فردوس است. ایشان توانسته با برخورد شایسته‌ای که دارد، رضایت مراجعه‌کنندگان را جلب کند. بجاست از زحمات و اخلاق خوب ایشان قدردانی کنیم. همچنین از مسئولان مجموعه ورزشی خادم تقاضای تشویق نام‌برده را داریم.

عرفان از تهران

● **حقوق‌های پایین:** چرا حقوق خبرنگاران و کارگران چاپخانه‌ها نسبت به کارمندان پایین است. درحالی‌که خبرنگاران و کارگران کارشان سخت و زیان‌آور است، اما حقوقشان نسبت به کارمندان پایین‌تر است؟

نبوی از تهران

● **چرا قراردادی؟** قراردادهای شش‌ماهه یا یک‌ساله باعث شده است کارکنان هر مجموعه امنیت شغلی نداشته باشند. قراردادهای موقت این‌چنینی باید اصلاح و نسبت به رسمی‌کردن کارکنان برای بالابردن امنیت شغلی‌شان اقدام شود.

از کارکنان بیمارستان دکتر شریعتی تهران

● **بازنشستگی پیش از موعد اجرا شود:** مسئولان در مطبوعات درباره بازنشستگی پیش از موعد در سال ۹۷ اطلاع‌رسانی کردند. امیدواریم این موضوع از سوی تمامی کارفرماها مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد و اجرا شود.

پیمان پویا

● **سد معبر در خیابان پیروزی:** هر شب عده‌ای در میدان شهدا، حاشیه خیابان پیروزی که محل عبور خودروهاست، بساط می‌کنند و با این کارشان باعث اختلال و بی‌نظمی می‌شوند و هر لحظه احتمال حوادث رانندگی وجود دارد. آیا راهنمایی و رانندگی و مأموران سدمعبر شهرداری این‌گونه تخلف‌ها را نمی‌بینند؟

محمد کلانتر از تهران